

چرا صاحبکارها و بادمجان دور قابچینها از روز کارگر وحشت دارند؟



همکاران عزیز،

درست سه روز پیش از برگزاری روز جهانی کارگر دوباره بادمجان دور قابچینها و کاسه‌لیسها به جنب و جوش افتادند تا جلوی گردهمایی این روز را بگیرند.

"دوستان و همکاران محترم

متأسفانه تجمع روز کارگر کنسل اعلام میشه. انشالله هرچی خیره برامون رقم بخوره. یا علی مدد"

همین سید؟ به دستور شاه عباس از فردا پینه دوزی موقوف؟ ما مراسم روز کارگر را برقرار می‌کنیم. این روزیست که تکتک ما و امدار آن هستیم. و امدار کارگرهایی که جان خودشان را فدا کردند تا امروز من و شما بتوانیم هشت ساعت کار کنیم، به این می‌گویند معرفت نه نامه کوتاه فدایت شوم شما؛

و مطابق معمول همیشه این ضدکارگرها برگ سیاسی - امنیتی کردن یک مراسم کاملاً و مرسوم و معمول کارگری را از آستین خودشان بیرون کشیدند. باز خوانی چهار تذکر مهم رهبر انقلاب درباره رفع مشکلات جامعه‌ی کارگری.

نهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴: "از کارگر تجلیل بشود، مسئولین همت کنند مسئله تعویق‌ها، اخراج‌ها و معیشت و امثال آن را حل کنند". ۹ سال از آن تاریخ گذشت، آیا چیزی حل شد؟

هفدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹: "حقوق طبیعی کارگر باید رعایت بشود. یعنی دستمزد عادلانه، پرداخت منظم و بدون تأخیر، ثبات اشتغال یعنی امنیت شغلی، که این یکی از مسائل بسیار مهم است". این یکی چه؟ همسان‌سازی اجرا شد. ما امنیت شغلی داریم؟ یا این‌که هر وقت علی‌محمدی‌ها بخواهند با یک چرخش قلم اخراجمان می‌کنند.

نهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۲: "اگر کسی به یک کارگری ظلم بکند، در مورد اجرت او و دستمزد او ظلم نکند همه‌ی اعمال خیر او از بین می‌رود. اگر به‌غیر از دستمزد، مسئله‌ی بیمه، بهداشت، سلامت خانوادگی و امنیت شغلی کارگر را فراهم نکنید، به او ظلم کرده‌اید". آیا همکاری در بین ما هست که خدای ناکرده یکی از این ظلم‌ها در حقش روا شده باشد؟

پنجم اردیبهشت ماه ۱۴۰۳: "خداوند هرکسی که کارش را درست، متقن و محکم انجام دهد، دوست دارد". ما هم چاکر خدا هستیم، اما آیا با این دوست داشتن خشک و خالی می‌شود از بقالی نبش کوچه قند و شکر و پنیر و تخم مرغ خرید؟

ذکر نقل قول‌هایی از رهبر در تمجید و ستایش از ما کارگران، سؤال ما این است: اگر جناب رهبر این قدر به فکر ما کارگران هست چرا هنوز ما را آن‌چنان داخل آدم حساب نمی‌کند که حتی بتوانیم حق و اجازه برگذاری یک روز کارگر را داشته باشیم. مگر نه این‌که روزی می‌گفتید به دست‌های پینه‌بسته مستضعفان و کارگران بوسه می‌زنید. پس تکلیف همه آن قول‌و قرارها که مستکبران می‌روند و مستضعفان به‌جای آن‌ها می‌نشینند چه شد؟ ما که امروز مستضعف‌تر شدیم، و گاه باید نان شب خودمان را در ظرف زباله‌های مستکبران مدل جدید پیدا کنیم. ما قسمت‌ان را باور کنیم یا دمب خروستان را؟

همکاران گرامی

مشکل برگذاری این روز نیست، مشکل این است که صاحب‌کارها از هرگونه تجمع کارگری وحشت دارند و دولت هم مثل همیشه با کنسل کردن این مراسم یک‌بار دیگر نشان می‌دهد که ما تنها هستیم و به‌غیر از خودمان فریادرسی نداریم و آن‌ها در کنار هم‌دیگر هستند. آوردن این نقل‌قول‌ها از زبان رهبر اگر هدفش ایجاد وحشت و تهدید ضمنی نیست، آقایان پاچه‌خوار شما بگوئید پس چه می‌تواند باشد؟ ترجمه این حرکت شما از نظر ما کارگران معنایی به‌جز این ندارد که اگر آن‌چه گفتیم نکنید، یعنی برخلاف مقام رهبری حرف زدید، و کسی هم که خدای نکرده کلمه‌ای برخلاف کلام رهبر حرف بزند حسابش با کرام‌الکاتبین است.

اگر این یک تلاش برای سیاسی - امنیتی جلوه‌دادن یک عمل کاملاً مرسوم در همه‌جای دنیا از جمله در کشور خود ما نیست پس چه چیز است؟ ما که قبلاً روز کارگر را جشن گرفتیم. ما متعجبیم از آن‌هایی که اسم کارگر را یکدک می‌کشند و بر علیه برادر خودشان این‌طور دست به توطئه می‌زنند؛ این‌ها با چهره‌ی در مقابل سفره خالی زن و فرزندان خودشان سر بلند می‌کنند. شاید هم سفره آن‌ها مانند سفره ما خالی نیست و از خرده‌ریزه‌های سفره ارباب چیزی هم به آن‌ها رسیده که این‌طور خاک توی کاسه ما می‌ریزند. شما جواب فدای کودکان را چگونه می‌خواهید بدهید؟ فراموش نکنید چرخ دوران چنان نماند و چنین نیز نخواهد ماند. بالاخره روزی بچه‌های شما از شما خواهند پرسید پدرجان چرا؟ آیا در آن هنگام جوابی دارید؟ یا این‌که فکر می‌کنید آن‌روز هرگز نخواهد رسید. به پشت‌سرتان نگاه کنید. آدم عاقل از گذشته درس می‌گیرد.

همکاران عزیز

حدود بیست‌سال است که ما هر خواسته‌ای مطرح کردیم این کارگرها با همین شامورتی‌بازی‌ها شیدانه سرمان کلاه گذاشتند و سرگرممان کردند و دوباره ما را به‌خانه اول پس زدند. گفتیم حقوق معوقه ما را بدهید؛ گفتیم دست ستم پیمانکار را از سرما کوتاه کنید؛ گفتیم تبعیض بس است همسان‌سازی بکنید. اعتراض کردیم؛ این‌ها دلالت کردند که اعتصاب و اعتراض نکنید، می‌رویم درب مجلس و وزارت‌خانه، نامه می‌نویسیم تا گره کار ما را باز کنند، بسیاری از کارگرهای شریف و ناآگاه هم پذیرفتند و رفتند، آیا گره‌ای باز شد؟

چرا کارگر نباید کوچک‌ترین حقی در این جامعه داشته باشد؟ حتی حق تجمع و برگذاری روز کارگر؟ نکند دشمن خارجی از این هم سوءاستفاده می‌کند. کارگران در کشور خود همین دشمن خارجی روز کارگر را جشن می‌گیرند و آقای دشمن خارجی هم کاری به‌کارشان ندارد. تا کی می‌خواهید با لولو سرخرمن کردن دشمن خارجی ما را خفه کنید. زن‌ها را در خیابان‌ها کتک می‌زنید و می‌گوئید تحت تاثیر دشمن خارجی هستند، هنرمند و خواننده را محکوم به اعدام می‌کنید و می‌گوئید نوکر دشمن خارجی‌ست و به‌دستور او می‌خواند که خط فقر ما از ۲۵ میلیون هم بالا زده؟ تاکی می‌شود مشکل مردم را با کمک این دشمن‌های خارجی جوراجور ماست مالی کرد؟

اگر این بادمجان دور قاب‌چین‌ها همان‌طور که در نقل‌قول‌های رهبر ذکر شده، واقعا مسلمان هستند که این قدر فریاد و امسلمانا راه انداخته‌اند، مگر امام سوم شیعیان نگفته که اگر دین نداری لااقل آزاده باش. این‌هایی که تحت نام اسلام نان کارگر را اجر می‌کنند نه دین دارند، نه آئین و نه شرف‌آزادگی. دیگر بس است. جان ما را بطلب رساندید.

ما از همه همکاران عزیز درخواست می‌کنیم با نظر و آرای خودشان مقابل یک‌هتازی‌های چنین افرادی بایستند. عزیزان تا کی باید ذلت را تحمل کرد و لب باز نکرد. مگر ما چه می‌خواهیم، غیر از یک زندگی آزاد و با شرافت؟ یک زندگی که در آن شرمنده نان شب خود و زن و بچه‌امان نباشیم. آیا کارگری که تمام ثروت این ملت ثمره کار اوست مستحق یک چنین زندگی نیست؟ چرا باید چیزی که حق ماست با عجز و لابه تقاضا کنیم.

ما بارها گفتیم و باز هم می‌گوئیم. حق گرفتنی‌ست نه دادنی. تا زمانی‌که ما متحد در مقابل صاحب‌کارها و این چاکران درگاه قدعلم نکنیم آش همین آش است، و کاسه همین کاسه. باید دستی به‌زانو زد.

پیروز باشید

- پیش به‌سوی ساختن هسته‌های مخفی کارگران پیشتاز سوسیالیست!
- پیش به‌سوی اتحاد کارگران پیشتاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری!
- پیش به‌سوی اتحاد عمل سراسری کارگران و تشکیل ستاد رهبری کارگری!
- پیش به‌سوی برقراری حکومت کارگری و جامعه آزاد سوسیالیستی!

هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)!

بولتن کارگری هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)

<https://t.me/ahvazijava>